

## مشارکت اجتماعی را درونی کنیم

مشارکت اجتماعی از ابعاد مختلف بااهمیت است؛ هم از حیث فردی و هم از حیث اجتماعی. مشارکت اجتماعی مزایای بسیاری در پی دارد. بی‌اهمیت شدن به امور اجتماع، بلایی است که اگر آن را جدی نگیریم، به شکل واگیردار سراسر اجتماع را فرا می‌گیرد و بهترین زمینه را برای تباهی و مرگ یک اجتماع فراهم می‌کند.



مشارکت اجتماعی از ابعاد مختلف بااهمیت است؛ هم از حیث فردی و هم از حیث اجتماعی. مشارکت اجتماعی مزایای بسیاری در پی دارد. بی‌اهمیت شدن به امور اجتماع، بلایی است که اگر آن را جدی نگیریم، به شکل واگیردار سراسر اجتماع را فرا می‌گیرد و بهترین زمینه را برای تباهی و مرگ یک اجتماع فراهم می‌کند. تاریخ نیز گواه است برخی کشورهای که دوره‌های طلا، پیشرفت را تجربه کرده‌اند، پیش از جنبش تجربه‌ها، یک دهه طلا، مشارکت اجتماعی را نیز به خود دیده‌اند. دکتر محمداسماعیل انصاری در این باره در مقاله «مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی» از تجربه ژاپن پس از جنگ جهانی دوم یاد می‌کند. ژاپن بعد از جنگ جهانی دوم سیستم پیشنهادهایی را در سطوح وسیعی از کارخانه‌ها به کار برد. این کار به تدریج رو به افزایش گذاشت و به ویژه بعد از بحران‌های اقتصادی دهه 1970 بیشتر شد. براساس تحقیقات صورت گرفته در سال 1980 در مورد بیش از 400 شرکت ژاپنی طی یک سال بیش از 23 میلیون پیشنهاد از کارگران دریافت شده است.

در وضعی که کارگران در یک سال 23 میلیون پیشنهاد را برای توسعه و پیشرفت کشور خود به مسئولان ارائه می‌کنند، مسلماً میزان اعتماد، همبستگی و همدلی میان اعضای جامعه، از کارگر گرفته تا بلندپایه‌ترین مسئولان کشور بسیار بالاست. چنین وضعی در یک جامعه، جزو آرمان‌های اجتماع دینی محسوب می‌شود که در آن همه مردم ناظر و مسئول هستند و خود را نسبت به آینده جامعه پاسخگو می‌دانند، اما متأسفانه با وجود چنین تاکیدهایی در آیات و روایات اسلامی، در برخی جوامع اسلامی کمتر به مساله مشارکت مدنی و اجتماعی بها داده می‌شود و بسیاری از مردم نسبت به امور جامعه، حساسیت لازم را ندارند، بلکه اساساً دغدغه آنها صرفاً گستره خانه و خانواده و اقوام و دوستان خود است.

### عوامل ذهنی

اما چرا چنین است و چرا ما به امور اجتماع بی‌اهمیت هستیم؟ دکتر فیض‌الله نوروزی در مقاله «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن» درباره این مطلب پس از بیان دیدگاه‌های مختلف نتیجه می‌گیرد یکی از مهم‌ترین عوامل در این میان، عوامل ذهنی است. مشارکت، پیش از آن که نمود عینی پیدا کند، پدیده‌ای ذهنی است که باید آن را در افکار، عقاید، رفتار و فرهنگ مردم جست‌وجو کرد. برای درونی کردن فرهنگ مشارکت باید بسیاری از قالب‌های پیش‌ساخته ذهنی را دگرگون کرد و این امر بدون کار فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

افرادی وجود دارند که وقتی به آنها پیشنهاد همکاری می‌دهیم بعدها آن قدر برای انسان دردرس درست می‌کنند که با خود می‌گوییم چه اشتباهی کردم! چرا که آنها صرفاً به منافع فردی توجه می‌کنند و به مشارکت

گروهی آسیب می‌زنند

اما چرا ذهنیت‌ها به سمت تمایل نداشتن به مشارکت سوق پیدا کرده است؟ به نظر می‌رسد مساله مشارکت مدنی، نیازمند بینش صحیح به مساله اجتماع و مدینه است. مردم روستانشین نسبت به امور اجتماع خود حساسیت‌های ویژه‌ای دارند. در بسیاری از روستاها، مداخله افکار عمومی به حدی است که حتی خصوصی‌ترین مسائل هر فرد را نیز در برمی‌گیرد. حال وقتی بافت روستایی به سمت بافت شهری سوق پیدا می‌کند، ناگهان فرد روستایی شهری شده درمی‌یابد وارد قلمرویی شده که تابع قوانین روستا نیست و دیگر مانند قبل، ذهنیت اهالی روستا بر زندگی فردی او حاکم نیست. این مساله از ناآگاهی به ماهیت «شهر» ناشی می‌شود. شهر وارداتی مدرن، فرهنگ سنتی روستایی را از مردم می‌گیرد، اما بدون آگاهی رسانی، چیزی را برای آنها جایگزین نمی‌کند و بر این اساس، مردم شهر، گویی در جایی زندگی می‌کنند که هیچ معرفتی از آن ندارند و شهر را از آن خود نمی‌دانند. شاید از همین روست که برخی افراد با این که در شهرهای بزرگی چون تهران، اصفهان و تبریز زاده شده‌اند، هنوز خود را متعلق به روستایی می‌دانند که پدر یا پدرزرگشان از آنجا کوچ کرده است. شهر برای چنین افرادی، حتی پس از یک عمر زندگی، یک وصله نجسب و قلمرو بی‌هویت و بی‌سر و ته است. به همین علت، نسبت به آینده آن هم، هیچ حساسیتی ندارند.

### مشارکت اجتماعی و کار گروهی

اجتماع، جای با هم بودن است و با هم بودن، نیازمند این است که ما همکاری گروهی را یاد بگیریم. به نظر دکتر علیرضا عباسی در مقاله «مشارکت اجتماعی» رشد اجتماعی به معنای آن است که افراد جامعه از لحاظ آگاهی، شعور و مهارت در روابط اجتماعی به چنان سطحی از تعالی و رشد رسیده باشند که بتوانند به راحتی با هم زندگی کنند،

سازگاری داشت و به کارهای گروهی بپردازند و در این رهگذر از یکدیگر ملال و آسیبی هم نینند. کار گروهی مستلزم آن است که افراد گروه فقط به هدف های گروه بپندیشند. بر این اساس، کار گروهی نیازمند این است که افراد به نحوی با یکدیگر تعامل کنند که از همکاری و مشارکت و تعامل با یکدیگر پیشیمان نشوند. افرادی وجود دارند که وقتی به آنها پیشنهاد همکاری می دهیم، بعدها آن قدر برای انسان دردسر درست می کنند که با خود می گوئیم: چه اشتباهی کردم! چراکه چنین افرادی بیش از حد به منافع فردی توجه می کنند و منافع و مقصود کل کار را که متعلق به همه همکاران است، نادیده می گیرند و در نتیجه، کار جمعی به نتیجه مطلوب نمی رسد. اجتماع نیز به مثابه یک با هم بودن بزرگ، نیازمند روحیه همکاری و دیگرخواهی است و بدون چنین روحیه ای امور اجتماع به مقصد مطلوب نمی رسد.

**همه ما مسئولیم**  
براساس روایتی از امام علی(ع)، همه مردم در امور اجتماع خود مسئولیت دارند. دکتر محمداسماعیل انصاری در مقاله «مشارکت اجتماعی و نقش آن در وفاق اجتماعی» مسئولیت پذیری را عامل انگیزش مردم برای مشارکت اجتماعی معرفی می کند. این فراگرد اجتماعی است که به یاری آن، مردم به مرحله خود - درگیر در سازمان می رسند و خواهان کامیابی سازمان خود هستند.

به این شکل افراد برای کوشش های گروهی به پذیرش مسئولیت رومی آورند و درمی یابند آنچه را خود می خواهند، انجام می دهند؛ یعنی کاری را به پایان می رسانند که خود را برای آن مسئول می شمارند.

**حسین برید  
دین و زندگی**